

واحمد حسن وزیر محمود غزنوی شمس الکفایه لقب داشتند . و بعهد
سلاجقه غیر از وزیر و طفرائی و مستوفی و عارض و عمید بغداد و عمید
خراسان و خوارزم هیچکس را فلان الملك نگفتندی و از ایشان فروتر
را خواجه رشید و سدید و مختص و امثال آن لقب گذاردندی . بعد از
محمود سبکتگین اکثر ملوک ترک خود را خان و قان گفتندی و لفظ
خاقان مرکب است ازین دو لقب و اکنون سرملوک توران را خان
خوانندگان شاهزادگان و امرار را بی وال . امیر تیمور کورکان را میرزا
گفتندی و آن مختصر امیرزاده است . ظهیر الدین محمد بایر شاه پادشاه
غازی بیادشاه ملقب گشت و اکنون شاهزادگان را سلطان خوانند
و امرار را خان لقب نهند . ملوک روم که مسلمان بودند قیصر گفتند
و در اسلام سلطان و اکنون خواندگار و شاهزادگان را چلبی و امرار
پاشا لقب نهند . ملوک ال حمیرا که سلاطین یمن بودند تبع گفتند
سلطان شام را قبل از اسلام هرقل و بعد از آن ملک عادل و ملک قاهر
لقب نهادند . و حکام غرجستان را مشار و ملک هند را رای و راجه و اکنون
امرای هند درگاه پادشاه جهان پناه آن لقب را دارند . و ملوک گیلان را
کارگیاه و ملاحظه را خواند (۱) خواندندی و ملوک فرنک را ری (۲)
و امرار را کاپتان خواندند (از تاریخ شاهد صادق)

تقریظ

بر دفتر رسم المشق آقای عماد الکتاب

بقلم آقای دبیر خاقان

بداهت محاسن حسن خط در نزد ارباب خبرت و بصیرت نه باندازه
ایست که محتاج بتوضیح باشد . این نکته بر همه کس مبرهن است
(۱) گویا کلمه آخوند از این مأخوذ باشد زیرا ریشه آن در لغت
غیر از این یافت نمیشود (۲) احتمال می رود این کلمه (ارای) باشد و الف
آن از قلم کاتب افتاده است

که عبارت یک نوشته هر قدر طرف استفاده باشد همینکه بخطی لم یقرء تحریر شود خواننده طبعاً مشمئز و بالعکس هر گاه مطلب ولو اینکه خالی از اهمیت باشد همینکه باخطزیبا و مرغوبی تحریر شد نظر خواننده را جلب خواهد نمود

بهمین جهت است که اغلب از کتب مهمه و غیر مهمه را بخطوط مرغوب جالب توجهی تحریر و در توصیف آن گفته اند (الخط نصف العلم) ولی چندی است بدبختانه بعضی اشخاص با اینکه خود را در اعداد قلمداد کرده نمیدانم از چه نقطه نظراز اهمیت این موضوع کاسته حق در مدارس و مکاتب دولتی و ملتی هم محاسن این موضوع را ملحوظ نداشته و از آن است که اغلب از شاگردان که دوره تحصیلی خودشان را باتمام رسانیده و از مدرسه خارج می شوند تازه از عهده تحریر یک رقعہ یقرء بر نمیآیند و این مسئله یکی از نواقص عمده تعلیم و تعلم بشمار میآید و بواسطه این عدم توجه نزدیک است رفته رفته این فن شریف که یکی از مفاخر ایرانی است از میان برود چنانکه زمان فعلی را بسی سال قبل مقایسه نمائیم با اینکه در انوقت دایره تعلیم و تعلم چندان توسعه نداشت مشاهده خواهیم کرد که در انزمان یکصد نفر خوشنویس در ایران بود که عموم محصلین از وجود آنها استفاده میکردند اکنون ده نفر نویسنده یافت نمیشود این است که جناب استاد معظم آقای میرزا حسین خان سیفی (عمادالکتاب) که امروز در حسن خط و علم قواعد این فن شریف یگانه و طاق و ایرانیان نظیر ایشان را فاقدند با حیا این صنعت ظریف که نماینده علوم و فنون و کاشف سرائر ضمائر عموم است مقدم گردیده و در نتیجه زحمات چندین ساله امروز موفق بطبع مقداری رسم المشق که شایان تقدیر است در بهترین مطابع اروپا (مطبعه هارلم هلند) بطبع رسانیده و برای ابناء

وطن عزیز حاضر کرده اند

المبدالحقیر مهدی ایزدی (دبیر خاقان سابق)

خدمت ادیب اریب دانشمند آقای وحیدمدیر محترم مجله ارمغان دام اقباله
در شماره ۹ و ۱۰ صفحه ۵۷۸ ترجیع بندی بنام مرحوم
ادیب الممالک مندرج بود و با آنکه اظهار تردید شده بود در اینکه
این ترجیع مال امرحوم باشد اینک برای رفع اشتباه این چند
کلمه بعرض میرسد که ترجیع مذکور مال ادیب الممالک نبوده و از
مرشد تخلص شاعر کاشانی است که الان در قیدحیات است چنانچه
در بند اخرهم بطوری که ذیلا ملاحظه می شود مرشد تخلص نموده است

ای آنکه اب جود عطایت بجوستی توحید باده تو بجام سبوستی
هر کس بذکر قائمنا عجلوستی ییکانه در تفحص و درجسته جوستی
گر چه ظهور تو ز امور مگوستی (مرشد) نصیحتی کند از راه دوستی
یا صاحب الزمان بظهورت مکن شتاب
حیف است راحتی ز چه افتی در انقلاب

امید است شرح حال مرشد مذکور را ادبای کاشان مفصلا مرقوم دارند
که مورد استفاده عموم اهل ادب گردد *فربغی* گلپایگان - امیری

تمنی ✨

از قراء کرام مجله :

که قبل از مطالعه ترجمه احوال « عین التضاة همدانی »
واقع در صفحه سی و یکم همین شماره این جمله را
« و در سال هزار و سیصد و چهل و سه هجری
قمری در شیراز بمطالعه حجری بطبع رسیده »
بعد از سطر بیستم صفحه سی دوم مرقوم دارند. زیرا موقع
یاک نویس کردن مقاله از قلم افتاده است

محمد علی خراسانی